

بررسی فرآیند مسموم‌سازی در دوران امارت و خلافت معاویه

علیمحمد ولوی^۱

ملیحه سرخی کوهی خیلی^۲

چکیده: مسموم‌سازی از جمله شیوه‌های رایج برای حذف مخالفان و رقبای سیاسی است که از گذشته‌های دور در میان حاکمان و سردمداران دول مختلف متداول بوده است. این عمل چنان مخفیانه و زیرکانه انجام می‌شود که ممکن است تا مدت‌ها عامل جنایت نامعلوم باقی بماند. معاویه نخستین خلیفه‌ای است که با به کارگیری این شیوه، به حذف مخالفان خود پرداخت. در این پژوهش با بهره‌گیری از اطلاعات موجود در منابع تاریخی، انگیزه و راهکارهای معاویه برای حذف مخالفان از طریق مسموم‌سازی و نیز نحوه انتخاب عاملان این اقدام با رویکردی توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. این بررسی نشان می‌دهد، معاویه برای حذف برخی از رقبای و مخالفان سیاسی‌اش، از روش مسموم‌سازی بهره می‌گرفت تا ضمن آنکه ردپایی از خود در این جنایات باقی نگذارد، از بروز هر نوع واکنشی نیز جلوگیری کند. او به منظور تحقق نقشه‌هایش، درانتخاب عاملان قتل، به انگیزه‌های مادی و شخصی آنان توجه بسیار داشت و می‌کوشید با اتخاذ تدابیری هوشمندانه در حین انجام جنایت و بهره‌گیری از فرصت‌های حساب شده، با موفقیت مخالفان را از سر راه خود بردارد.

واژه‌های کلیدی: مسموم‌سازی، معاویه، حسن بن علی، سعد بن ابی وقاص، مالک اشتر، عبدالرحمان بن خالد بن ولید

۱ استاد گروه تاریخ دانشگاه الزهراء amv571@yahoo.com

۲ کارشناس ارشد تاریخ اسلام m_sourkhi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۰۹ تاریخ تأیید: ۹۲/۰۴/۰۱

The Study of the poisoning process during the period of Muawiyah's Caliphate

Ali mohammad Valavi¹

Maliheh Sorkhi Kouhi Khili²

Abstract: Poisoning was common strategy used for eliminating the political opposition which has been usual among different states. It could be so secretly and subtly done that the criminal would be unknown for long time. The first caliph, who utilized this method to remove his opponents, was Muawiyah. In this descriptive-analytic research through the present historical sources, we studied the methods and motivations of Muawiyah and how he chose the performers for eliminating his opponents by poisoning. The study affirms that Muawiyah used poisoning to eliminate some of his political opponents neither leaving any traces nor letting any reactions to arise. In order to implement his plans, Muawiyah considered their personal and financial incentives and tried to provide them with intelligent strategies to use the appropriate opportunities while committing the crime successfully.

Keywords: poisoning, Muawiyah, Hasan-Ibn Ali, Sa'd-Ibn Abi Vaghaas, Malik Ashtar, Abdol-rahman-Ibn Khalid-Ibn Vlid

1 Professor of Islamic History, Al-Zahra University

amv571@yahoo.com

2 Senior Expert of Islamic History, Al-Zahra University

m_sourkhi@yahoo.com

مقدمه

حذف فیزیکی مخالفان و رقیبان سیاسی، به عنوان یک روش و مشی سیاسی از جمله تدابیری بود که معاویه و کارگزارانش، علیه مخالفان اتخاذ کردند. منزلت اجتماعی، پایگاه قبیله‌ای و حتی خویشاوندی نزدیک با پیامبر نیز نمی‌توانست مانع قتل مخالفان وی شود. معاویه در قتل و حذف معترضان به عملکردش، هیچ ترسی به دل راه نمی‌داد و بی‌باکانه تعداد زیادی از آنان را که نه می‌توانست با تطمیع مالی، خاموش و تابع خود گرداند و نه با تبعید، بهتان و شایعه‌پراکنی، از میدان رقابت به در برد، مخفیانه از سر راه خود برمی‌داشت؛ زیرا قتل آشکار برخی کسان می‌توانست موجب مشکلاتی شود. بنابراین لازم بود با طراحی شیوه‌ای سازمان‌یافته و بی‌سر و صدا و با استفاده دقیق از فرصت‌طلبی‌ها به این امر اقدام کند. به گواهی متون و منابع متعدد تاریخی، وی در دوران خلافت خود، حداقل چهار تن از شخصیت‌های برجسته تاریخ صدر اسلام از جمله مالک بن اشتر نخعی، عبدالرحمان بن خالد بن ولید، حسن بن علی بن ابی‌طالب و سعد بن ابی‌وقاص را با این شیوه از سر راه خود برداشت.

علی‌رغم اهمیت به کارگیری این شیوه در حذف رقیبان سیاسی که منزلت اجتماعی و قبیله‌ای در خوری نیز داشتند، مورخان، با نگاهی گذرا، به توصیف اجمالی این رویداد پرداخته‌اند و به انگیزه‌ها و علل به کارگیری این شیوه توسط معاویه اشاره‌ای نکرده‌اند. محققان نیز به جای بررسی دقیق‌تر مسئله، به اشاره‌ای اجمالی اکتفا کرده‌اند.

در این پژوهش تلاش می‌شود، با بهره‌گیری از اطلاعات موجود در منابع اصلی و با استفاده از تحقیقات جدید و مقایسه میان آثار مسمومیت‌های امروزی با مسمومیت‌های انجام شده توسط معاویه، ضمن بررسی انگیزه معاویه از طراحی و به کارگیری این شیوه، با نگاهی دقیق‌تر به عملکرد وی در طراحی و اجرای نقشه مسموم‌سازی پرداخته شود.

انگیزه‌ها

معاویه به تبعیت از پدرش ابی‌سفیان، همواره در پی فرصتی بود تا جایگاه سیاسی از دست رفته خاندانش را احیاء کند. امارت شام، نخستین گام برای رسیدن به این مهم بود. در زمان خلافت عثمان با توجه به سیاست‌های خویشاوندخواهانه او توانست پایه قدرت خود را محکم کرده، چند سال بعد تکیه بر اریکه قدرت، به مبارزه با علی بن ابی‌طالب برخیزد. وی که برای این منظور سال‌ها منتظر فرصت بود و حتی با عدم کمک به عثمان در جرگه

عاملان قتل وی قرار گرفته بود.^۱ با سردادن شعار خونخواهی او، در صدد حذف امام از میدان رقابت برآمد. معاویه که با حمایت عاملان جنگ جمل^۲ و سپس با به راه انداختن جنگ صفین نتوانست به مقصودش دست یابد، با تغییر در استراتژی مبارزه و روی آوردن به شیوهٔ مقابله و مبارزه ایدایی از طریق تبلیغ، تطمیع و تهدید یاران و سپاهیان ایشان، سعی در وارد کردن ضربات کاری بر حاکمیت علوی کرد. به موازات این گونه اقدامات، حذف فیزیکی یاران علی (ع) نیز در دستور کار او قرار گرفت.

معاویه ضمن تقویت قوای خود از راه جذب نیروهای زیرکی؛ چون عمرو بن عاص^۳ و همراه کردن زیاد بن ابیه با روش استلحاق^۴ برای کاستن از قدرت و توانایی علی بن ابی طالب به حذف نیروهای مؤثر و مهره‌های حیاتی سپاه ایشان مانند مالک اشتر پرداخت.

بزرگ‌ترین انگیزهٔ معاویه در ترور مالک، نقش مهم وی، در جنگ صفین بود، که می‌رفت تا به رؤیای خلافت معاویه پایان دهد، معاویه، مالک را دست راست امام می‌دانست^۵ و به خوبی از تأثیر مرگ وی بر سپاه کوفه آگاه بود. او با حذف مالک نتوانست در سپاه امام تزلزل ایجاد کند. گزارش‌های تاریخی مؤید آن است که بعد از شهادت مالک اشتر سربازان کوفه دچار تزلزل و ضعف شده، انگیزهٔ جنگ و رویارویی مجدد با معاویه را از دست داده بودند و امام با سختی و تلاش فراوان نتوانست آنان را حاضر به رویارویی دوباره با سپاه شام کند^۶ ولی قبل از تحقق این تصمیم در ماه رمضان سال ۴۱ هـ.ق به شهادت رسید. از طرفی، معاویه به خوبی می‌دانست تصرف مصر چه به لحاظ استراتژیکی^۷ و چه به لحاظ سابقهٔ تمدنی^۸ و اقتصادی^۹ باعث سنگینی کفهٔ ترازوی قدرت وی شده و با به دست آوردن آن می‌تواند قدرت امام را تضعیف کند. علاوه بر آن، به خوبی می‌دانست اگر مالک قدم بر

۱ ابوعلی مسکویه رازی (۱۳۶۹ش)، *تجارب الامم*، ترجمهٔ ابوالقاسم امامی، ج ۱، تهران: سروش، ص ۴۱۵.

۲ محمد بن محمد شیخ مفید (۱۳۸۳ش)، *تبرد جمل*، ترجمهٔ محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، ص ۱۴۲.

۳ محمد بن جریر طبری (۱۹۶۷م)، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۴، بیروت: دارالتراث، صص ۵۵۸ - ۵۶۱.

۴ عزالدین علی ابن اثیر (۱۹۶۵م)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۳، بیروت: دار صادر - دار بیروت، صص ۴۴۱ - ۴۴۲.

۵ عبدالحسین امینی (۱۳۶۹ش)، *الغدیر*، ترجمهٔ جلال الدین فارسی، ج ۲۱، تهران: بنیاد بعثت، ص ۱۰۲.

۶ طبری، همان، ج ۵، ص ۷۸.

۷ ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری (۲۰۰۴م)، *المسالك والممالک*، بیروت: دار صادر، صص ۳۹ - ۴۲؛

ابوعبدالله احمد بن محمد بن اسحاق همدانی معروف به ابن فقیه (۱۴۱۶ق)، *البلدان*، بیروت: عالم الكتاب، صص ۱۱۵ - ۱۳۰.

۸ جلال الدین عبدالرحمان سیوطی (۱۴۲۵ق)، *حسن المحاضرة فی تاریخ مصر والقاهرة*، ج ۱، بیروت: المکتب العصری، ص ۲۰۱.

۹ أحمد بن علی مقریزی (۱۴۱۸ق)، *الخطط*، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۴۸.

سرزمین مصر بگذارد، نه تنها از عهده کنترل تنش‌های حاکم بر آن بر می‌آید، بلکه به راحتی می‌تواند به غائله خون‌خواهان عثمان پایان دهد و با سرکوبی آنان و تسلط بر اوضاع مصر، وی برای همیشه این سرزمین را از دست خواهد داد. لذا با طراحی و اجرای قتل مالک توانست از ورود وی به سرزمین مصر جلوگیری کند.

معاویه، بعد از قتل مالک اشتر و تسلط بر سرزمین مصر و انضمام آن به دولت شام بود که توانست در این رقابت پیروز شود و در آینده‌ای نه چندان دور بر کرسی خلافت تکیه زند.^۱ علاوه بر آن مالک عملاً محور اتحاد قبایل یمانی بود و با حضور او احتمال تخلف قبایل یمانی از همراهی با علی (ع) بسیار ضعیف بود، اما با حذف مالک، این صف متحد شکسته شد و بعضی تیره‌ها و طوایف یمنی با معاویه همراه شدند.

معاویه بعد از نشستن بر کرسی خلافت با طرح نظریه ولایتعهدی یزید، کوشید حاکمیت خاندان اموی را تثبیت کند. اگر چه بسیاری از منابع مغیره بن شعبه را القاء این طرح به معاویه دانسته و علت آن را جلوگیری از عزل وی از امارت کوفه ذکر کرده‌اند،^۲ ولی با کمی تعمق می‌توان دریافت، اقدام معاویه در زیر پا گذاشتن مفاد صلحنامه با حسن بن علی در آغاز که اساسی‌ترین مضمون آن، عدم انتخاب جانشین برای خویش بود، از نقشه‌های وی، برای ماندگار ساختن امر خلافت در خاندان اموی توسط ولایتعهدی یزید ناشی می‌شد.

وی نه تنها با مخالفت اصحاب برجسته و شخصیت‌های سرشناس عراق و حجاز روبرو شد، بلکه در میان امرا و فرماندهان نظامی خویش نیز با مخالفت شدیدی مواجه گردید، که از آن جمله می‌توان، از مروان بن حکم، زید بن ابیه و سعید بن عثمان بن عفان نام برد؛^۳ بنابراین با وجود چنین شرایطی، به خوبی می‌توانست عکس العمل بزرگانی چون حسن بن علی و سعد بن ابی وقاص را پیش‌بینی کند. از طرفی، نه تنها حسن بن علی و یاران ایشان در مقابل این پیمان شکنی به سختی مقاومت می‌کردند، بلکه مردم عراق و حجاز نیز به راحتی حاضر به قبول خلافت یزید نمی‌شدند؛ چرا که یزید را می‌شناختند و از رفتارهای وی به خوبی آگاه بودند. احنف بن قیس، شخصیت برجسته و از سرآمدان کوفه به معاویه گفته بود: «مردم عراق و حجاز با این کار خشنود نمی‌شوند و تا زمانی که حسن زنده است کسی با یزید بیعت

۱ حسین مونس (۱۳۷۵ ه.ش)، *اطلس تاریخ اسلام*، آذرتاش آذرنوش، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ص ۴۰۶.

۲ ابن قتیبه دینوری (۱۴۱۰ ق)، *الإمامة والسیاسة*، علی شیری، ج ۱، بیروت: دارالاضواء، ص ۱۲۰.

۳ امینی، همان، ج ۲۰، صص ۴۶-۵۴.

نخواهد کرد».^۱ بنابراین، در چنین شرایطی، معاویه هیچ گاه نمی توانست با وجود حسن بن علی و جایگاهی که ایشان در میان مردم داشت، برای یزید با آن سابقه اخلاقی بیعت بگیرد و بنابراین به جز حذف فیزیکی حسن بن علی چاره‌ای نداشت.

خبر قتل حسن بن علی با دسیسه معاویه و جده، دختر اشعث بن قیس، از جمله خبرهای متواتر و مورد اتفاق بسیاری از منابع اهل سنت و شیعه است.^۲ فقط تعداد اندکی از منابع به مرگ ایشان بر اثر بیماری اشاره،^۳ یا در صحت آن تردید کرده‌اند.^۴

علاوه بر حسن بن علی، شخصیت‌های دیگری نیز بودند که ضمن تمایل مردم به بیعت با آنان، خود نیز چشم طمع به دستگاه خلافت داشتند و در صورت فراهم بودن شرایط لازم، حاضر به قبول امر خلافت بودند که از آن جمله می‌توان سعد بن ابی وقاص را نام برد. سعد از دیگر مدعیان قدرت بود که معاویه به قتل وی اقدام کرد. او از پیشگامان اسلام بود و در حوادث صدر اسلام، نقش‌های مهمی ایفا کرد. با انتخابش در شورای تعیین خلیفه^۵ به هویت

۱ دینوری (۱۴۱۰ق)، همان، ص ۱۹۱.

۲ احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، *أنساب الأشراف*، تصحیح سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۳، بیروت: دارالفکر، ص ۵۵؛ ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی‌الفتح اربلی (۴۲۱ق)، *كشف الغمه فی معرفة الأئمة*، ج ۱، قم: شریف الرضی، ص ۵۴۸-۵۴۵؛ ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (۴۰۹ق)، *مروج الذهب*، تحقیق اسعد داغر، ج ۲، قم: دارالهیجره، ص ۴۲۷؛ ابوالفرج اصفهانی (۴۱۹ق)، *مقاتل الطالبیین*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ص ۶۰؛ عزالدین علی بن اثیر ابی‌تأ، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، تحقیق محمد ابراهیم بنا، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۴۹۲؛ ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر (۴۱۲ق)، *الإستیعاب فی معرفة الأصبحاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، ج ۱، بیروت: دار الجیل، ص ۳۸۹؛ الحاکم نیشابوری (۴۱۸ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۴، بیروت: دارالمعرفه، ص ۱۶۶؛ محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید (۴۱۰ق)، *الارشاد*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ص ۱۹۱-۱۹۳؛ عبدالحمید بن هبة الله بن ابی‌الحدید مدائنی (۴۰۷هـ)، *شرح نهج البلاغه*، محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱۶، بیروت: دارالجیل، ص ۱۸؛ لوط بن یحیی ابی مخنف ازدی (۴۱۹ق)، *تاریخ ابی مخنف*، کامل سلمان الجبودی، بیروت: دارالهجة البيضاء، ص ۳۱۴؛ ابوالفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی (۴۲۸ق)، *البدایة والنهایة*، ج ۸، بیروت: دارالفکر، ص ۴۳؛ ابن قتیبه دینوری (۱۹۹۲)، *المعارف*، تصحیح ثروت عکاشه، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ص ۲۱۲؛ عزالدین علی بن اثیر (۱۹۶۵م)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۳، بیروت: دار صادر - دار بیروت، ص ۴۶۰؛ علی بن حسن بن عساکر (۱۴۱۷هـ)، *تاریخ مدینه دمشق*، تصحیح علی شیری، ج ۱۳، بیروت: دارالفکر، ص ۲۸۴؛ ابو عبدالله مطهر بن طاهر مقدسی ابی‌تأ، *البدء والتاریخ*، تصحیح بورسعید، ج ۲، ابی‌جا، مکتبه الثقافة الدینیة، ص ۵؛ شمس‌الدین محمد ذهبی (۴۰۲ق)، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۳، بیروت: مؤسسه الرساله، ص ۳۴.

۳ دینوری (۱۴۱۰ق)، همان، ج ۱، ص ۱۹۶؛ احمد بن داوود ابوحنیفه دینوری (۱۳۶۸ش)، *أخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، مراجعه جمال‌الدین شیال، قم: منشورات الرضی، ص ۲۲۱.

۴ ابن خلدون، مورخ سده نهم، معاویه را از انجام این جنایت مبرا دانسته و تأکید دارد که این خبر ساخته و پرداخته شیعیان است و در این ارتباط می‌گوید حاش لمعاویه من ذلک؛ عبدالرحمان ابن خلدون (۱۴۰۸ق)، *تاریخ*، خلیل شحاده و سهیل زکار، ج ۲، بیروت: دارالفکر، ص ۶۴۹.

۵ دینوری (۱۹۹۲م)، همان، ص ۲۴۱.

مهم سیاسی- اجتماعی دست یافت. از طرفی او به دلیل پیشینه اش در اسلام خود را لایق این مقام هم می‌دانست.^۱ عدم همراهی سعد با علی بن ابی طالب در عین حال که ایشان و مبارزاتشان را بر حق می‌دانست^۲ و کمین‌گیری‌های او در واقعه صفین و دنبال کردن اخبار و حوادث جریان حکمیت به وسیله پسرش عمر بن سعد،^۳ همه گویای آن است که وی خواهان خلافت بوده و خود سعد نیز بارها به این امر تصریح کرده است.^۴

سعد اندیشه خلافت را در ذهن می‌پرورانید و شیخ مفید نیز عقیده دارد که سعد به مقام خلافت چشم طمع داشته است.^۵ وی در جوابی به نامه معاویه در مقابل درخواست همکاری نوشت، آشکارا خلافت را از آن خود می‌دانست.^۶

معاویه از طمع سعد به خلافت آگاه بود و می‌دانست در صورت طرح برنامه‌های خود، با مخالفت شدید او روبرو خواهد شد و با توجه به پایگاهی که سعد داشت مخالفت وی، او را با مشکلات فراوانی روبرو می‌کرد. به همین دلیل، بهترین راه چاره را حذف وی از میدان رقابت دانست و به مسموم‌سازی وی اقدام کرد. اگر چه تعداد معدودی از منابع^۷ به طرح توطئه قتل سعد توسط معاویه اشاره کرده‌اند، ولی شواهد و رفتار سعد گویای آن است که معاویه انگیزه لازم برای قتل وی را داشته و بعد از احساس خطر از جانب سعد، به قتل وی اقدام کرده است.^۸

از دیگر افرادی که مانعی جدی برای اعلان ولیعهدی یزید به حساب می‌آمد، باید از عبدالرحمان بن خالد بن ولید نام برد. اگر چه هیچ یک از منابع به طمع وی نسبت به امر خلافت تصریح نکرده‌اند، اما مردم شام به دلیل مقام و جایگاه پدرش و همچنین به دلیل جنگ‌هایی که در سرزمین روم کرده و دلیری‌هایی که از خود نشان داده بود، علاقه زیادی

۱ دینوری (۱۴۱۰ق)، همان، ص ۱۲۰.

۲ محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید (۱۳۶۴ش)، *الأمالی*، ترجمه حسین استاد ولی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ص ۶۷-۷۰.

۳ نصر بن مزاحم منقری (۱۳۷۰ش)، *بیکار صفین*، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: آموزش انقلاب اسلامی، ص ۷۴۵.

۴ شمس‌الدین محمد ذهبی (۱۴۲۳ق)، *تاریخ الإسلام*، تصحیح عمر عبدالسلام تدمری، ج ۴، بیروت: دارالکتب العربی، ص ۲۱۹.

۵ شیخ مفید (۱۳۸۲)، همان، ص ۵۲.

۶ نصر بن مزاحم (۱۳۷۰ش)، همان، ص ۱۱۰.

۷ أبو الفرج اصفهانی (۱۴۱۹ق)، همان، ص ۶۰؛ ابن ابی الحدید مدائنی (۱۴۲۴ق)، *شرح نهج البلاغه*، محمد عبدالکریم نمری، ج ۱۶، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۱۸.

۸ نمری، همان جا.

به وی داشتند و در میان مردم این شهر از اعتبار بالایی برخوردار بود، تا آنجا که به خلافت وی بعد از معاویه مشتاق بودند.^۱ در این صورت، حتی اگر عبدالرحمان هم به خلافت چشم طمع نمی‌داشت، ولی علاقه و اقبال اجتماع می‌توانست محرک وی برای قبول خلافت باشد و همین امر باعث وحشت معاویه از عبدالرحمان و در نهایت، اقدام به قتل وی گردید.^۲

راهکارهای مسموم سازی

مسموم‌سازی، حرکتی منظم و سازمان یافته بود که معاویه آن را با قدرت خویش درآمیخت و به کارگیری این شیوه را نردبان پیشرفت قدرت خویش قرار داد. جایگاه افرادی که توسط وی و مزدورانش به قتل رسیده بودند، چنان بود که بدون شک هر گونه حرکتی علیه آنان، نگاه‌ها را به سمت عاملان آن حرکت سوق می‌داد، بنابراین لازم بود در برخورد با چنین افرادی، احتیاط‌های لازم به کار گرفته شود تا احساسات جامعه آن روز را برنیانگیزد. البته در چنین شرایطی برای قتل این افراد، به کارگیری تدابیری هوشمندانه لازم بود تا شک و شبهه‌ای در میان آحاد جامعه ایجاد نکند. این مسأله که مرگ افراد مورد نظر، عکس‌العمل چشمگیری در جامعه به دنبال نداشت نشان‌دهنده موفقیت معاویه در به کارگیری این شیوه برای حذف مخالفان و رقیبان است. در ادامه به راهکارهای معاویه که تأثیر به‌سزایی در پیشبرد نقشه‌هایش داشته است می‌پردازیم.

۱. انتخاب دقیق و هوشمندانه عاملان قتل و استفاده ابزاری از انگیزه‌های شخصی و مادی آنان
انتخاب درست داوطلبان اجرای طرح مسموم‌سازی از جمله نکاتی بود که معاویه می‌بایست در انجام آن دقت و وسواس بسیاری به خرج می‌داد. زیرا اگر کمترین تردید یا لغزشی به شخص مورد نظر دست می‌داد و یا در حین انجام مأموریت، دچار ترس یا سردرگمی می‌شد علاوه بر عقیم ماندن نقشه‌ها فرصت مناسب دیگر را نیز منتفی می‌ساخت. به طور مثال، اگر در زمان اجرای نقشه قتل مالک، کم‌ترین تردیدی مبنی بر انجام یا عدم انجام این عمل به مأمور مسموم‌سازی دست می‌داد و به قتل وی اقدام نمی‌کرد، مالک به راحتی وارد سرزمین

۱ ابن‌اثیر (بی‌تا)، همان، ج ۳، ص ۴۴۰.

۲ طبری، همان، ج ۵، ص ۲۲۷؛ ابوجعفر محمد بن حبیب بغدادی (۱۴۰۵ق)، کتاب‌المنمق فی اخبار قریش، تحقیق خورشید احمد فاروق، بیروت: عالم‌الکتب، ص ۳۶۰؛ احمد بن ابی‌یعقوب بن واضح یعقوبی (بی‌تا)، تاریخ‌الیعقوبی، ج ۲، بیروت: دارصادر، ص ۲۲۳؛ ابن‌عبدالبر، همان، ج ۴، ص ۱۶؛ ابن‌کثیر (۱۴۲۸ق)، همان، ج ۸، ص ۳۱.

مصر می‌شد، و ورود وی به این سرزمین، برابر بود با شکست همیشگی معاویه در مقابل علی بن ابی طالب، اما با مرگ مالک و تسلط معاویه بر سرزمین مصر، وی توانست در کشمکش‌ها که بر سر خلافت، قدرتمندتر و ثروتمندتر از رقیبان شود و در زمانی نه چندان دور بر اریکه قدرت تکیه زند.

همچنین، آنگونه که منابع ذکر کرده‌اند اگر ابن‌اثال نصرانی در زمان بیماری عبدالرحمان بن خالد بن ولید موفق به انجام مأموریت خود نمی‌شد و او را مسموم نمی‌کرد، شاید هیچ‌گاه فرصت دوباره برای انجام این مأموریت به دست نمی‌آمد. چراکه ابن‌اثال به بهانه درمان بیماری عبدالرحمان^۱ توانست به او نزدیک شود و با تجویز سم به جای دارو شرایط قتل عبدالرحمان را فراهم کند. طبعی است که چنین شرایطی کم‌تر به دست می‌آید و از دست دادن این فرصت، با توجه به محبوبیت عبدالرحمان در شام، چه بسا زمینه خلافت وی را به جای یزید بن معاویه فراهم می‌کرد.

همین نکات، در طراحی قتل حسن بن علی و سعد بن ابی وقاص نیز قابل توجه بوده است. از طرفی با توجه به پایگاه و پشتوانه محکم مردمی که این چهار شخصیت برجسته تاریخ صدر اسلام داشتند یقیناً هر فردی حاضر به قتل آنان نمی‌شد، فقط کسانی حاضر به انجام چنین جنایتی می‌شدند که علاوه بر جاذبه‌های مادی، دارای انگیزه شخصی برای این کار نیز بوده باشند؛ چرا که معاویه به خوبی از واقعیات عصر خویش آگاه بود و می‌دانست با توجه به برجستگی شخصیت این افراد در جامعه، باید از کسانی در اجرای نقشه قتل آنان بهره‌گیرد که با مخالفت آنان روبه‌رو نشود، بلکه خود نیز مشتاق از میان رفتن آن‌ها بوده باشند. بنابراین؛ کندوکاوها و مشاوره‌های بسیاری لازم بود تا او بتواند افراد قابل اعتماد برای اجرای نقشه‌های خویش پیدا کند.

در واقعه قتل مالک اشتر، معاویه نمی‌توانست فقط با تطمیع مالی، آن هم تعهد به دادن خراج قلمز^۲ به کارگذار آن، فرد مورد نظر را وادار به انجام مأموریت سنگین قتل مالک کند؛ زیرا قلمز، شهری بدون آب و آبادانی بوده و حتی آب آن را از اطراف به این منطقه می‌آورده‌اند.^۳ بر همین اساس احتمالاً خراج این شهر آن‌چنان چشمگیر نبوده و نمی‌توانست فرد

۱ ابوالفرج اصفهانی (۱۴۱۵ق)، *الاعلیٰ*، ج ۱۶، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۳۹۷، ابن حبیب بغدادی، همان، ص ۳۶۰؛

ابن اثیر ابی‌تا، همان، ص ۳۳۶.

۲ ابن اثیر (۱۹۶۵م)، همان، ج ۳، ص ۳۵۳.

۳ ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی (۱۳۶۱ش)، *احسن التقاسیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و

مورد نظر را به قتل شخصیتی چون مالک تحریض کند. به همین دلیل به نظر می‌رسد علاوه بر خراج قلم، دلایل و انگیزه‌های دیگری نیز در تحریک وی برای قتل مالک مؤثر بوده باشد که از آن جمله می‌توان به حس انتقام و کینه شخص مورد نظر نسبت به مالک اشاره کرد. بعضی از منابع، قاتل مالک را نافع، غلام عثمان^۱ دانسته‌اند که خود را در برابر مالک، غلام عمر معرفی کرده است تا بتواند به راحتی راه نفوذ در مالک را بیابد. از آنجا که مالک را نیز در جرگه عاملان قتل عثمان دانسته‌اند؛^۲ بنابراین وی به بهانه خونخواهی عثمان انگیزه لازم برای قتل داشته است؛ زیرا خونخواهی عثمان برای حامیان وی آن قدر مهم بود که در راه این عقیده از انجام هیچ جنایتی پرهیز نکردند و حتی به این بهانه دو نبرد بزرگ تاریخ صدر اسلام - جمل و صفین - را به راه انداختند و بسیاری از افراد و بزرگان اسلام را به قتل رساندند.

همچنین با توجه به اینکه در هنگام اجرای نقشه مسموم‌سازی، احتمال بروز درگیری میان شخص مأمور و مالک یا همراهان مالک نیز وجود داشت و در این صورت ممکن بود شخص مزبور در حین درگیری جان خود را از دست بدهد، کسی حاضر به انجام چنین مأموریت خطیری می‌شد که نه تنها وعده خراج قلم، بلکه ایمان راسخ به عقیده‌ای، وی را به انجام چنین عملی تحریک کرده باشد. با توجه به اینکه خونخواهان عثمان، قتل قاتلان وی را بر خود واجب می‌دانستند و حتی مرگ در راه مبارزه با عاملان قتل او را جهاد فی سبیل‌الله تلقی می‌کردند^۳ می‌توان گفت علاوه بر انگیزه مادی، کینه‌ای اعتقادی نیز در تحریک این فرد برای قتل مالک تأثیرگذار بوده است که اگر در حین انجام مأموریت به قتل می‌رسید، قتل خود را مرگ در راه خدا تلقی می‌کرده است.

برای عملی ساختن نقشه قتل عبدالرحمان بن خالد نیز معاویه فردی را به عنوان داوطلب انتخاب کرد که علاوه بر انگیزه مادی، دلایل دیگری نیز محرک وی در انجام این نقشه بوده است. زیرا همانگونه که قبلاً اشاره شد در اجرای این نقشه‌ها، احتمال بروز خطر جانی برای داوطلب قتل وجود داشت و بر اساس نقل‌های مختلف تاریخی، ابن‌اثال نیز مدتی بعد از قتل عبدالرحمان، توسط فرزند^۴ یا

مترجمان ایران، ص ۲۷۸.

۱ محمدحسین شمس‌الدین بن تفری بردی (۱۴۱۸ق)، نجوم الزاهره، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۱۳۷.

۲ ذهبی (۱۴۰۲ق)، همان، ج ۴، ص ۳۴.

۳ نصر بن مزاحم، همان، ص ۵۴۴.

۴ طبری، همان، ج ۵، ص ۲۲؛ ابن‌عساکر، همان، ج ۳۴، ص ۳۲۸؛ ابوالفرج عبدالرحمان بن جوزی (۱۴۱۲ق)، المنتظم فی تاریخ امم والملوک، تحقیق مصطفی و محمد عبدالقادر عطا، ج ۵، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۲۱۷.

برادرزاده عبدالرحمان^۱ به قتل رسید.

انگیزه مادی می‌توانست محرک قتل عبدالرحمان توسط ابن‌اثال نصرانی بوده باشد؛ زیرا معاویه با وعده بخشش خراج حمص^۲ و حذف جزیه^۳ از وی که به دلیل نصرانی بودن از او گرفته می‌شد، او را به قتل عبدالرحمان تشویق کرده بود. حمص یکی از بزرگ‌ترین و آبادترین شهرهای شام به حساب می‌آمد و به همین دلیل از ثروت فراوانی برخوردار بود؛ بنابراین خراج فراوان آن می‌توانست محرک قبول خواسته‌های معاویه باشد. معافیت از پرداخت جزیه نیز او را هم‌تراز با مسلمانان قرار می‌داد و شأن اجتماعی بیشتری برایش به همراه می‌آورد. معاویه با وقوف بر جاذبه چنین پیشنهادهایی او را به قتل عبدالرحمان ترغیب کرد.

علاوه بر میزان بالای خراج حمص، با وجود نصرانی بودن مردمان این شهر،^۴ این نظریه قوت می‌گیرد احتمالاً حس‌ناسیونالیستی و هم‌کیشی وی با مردم حمص، دلیل دیگری برای ابن‌اثال در پذیرش این مأموریت بوده باشد؛ زیرا بعد از ورود مسلمانان به این شهر به فرماندهی ابوعبیده‌جراح و خالدبن‌ولید، مردم حمص با قبول پرداخت جزیه با مسلمانان صلح کردند و اکثر مردمان این شهر بر دین خود باقی مانده بودند.^۵ معاویه با توجه به شناخت روانی این افراد سعی کرد حساسیت‌های آنان را شناسایی و از آن در پیشبرد اهداف خود استفاده کند. وی با به کارگیری چنین شیوه‌ای توانست با بازیچه قرار دادن جعده دختر اشعث بن قیس‌کندی، او را در جهت اهداف و خواسته‌های خود، با خویش همراه و همساز کند و به مسموم کردن امام حسن بپردازد.

در نگاه نخست می‌توان پرسید چرا معاویه از میان همسران شناخته شده حسن بن علی، برای انجام مأموریت خطیر مسموم‌سازی، جعده را گزینه مناسب دانست؟ نگاهی اجمالی به سابقه خاندانی و رفتاری همسران روشن می‌سازد که آن‌ها علاوه بر علاقه به حسن بن علی از لحاظ خاندانی نیز کارنامه درخشانی در ارتباط با اهل بیت داشتند^۶ و نمی‌توانستند گزینه

۱ ابوالفرج اصفهانی (۱۴۱۵ق)، همان، ج ۱۶، ص ۳۹۷.

۲ بلاذری (۱۴۱۷ق)، همان، ج ۱۰، ص ۲۰۹؛ طبری، همان، ج ۵، ص ۲۲۷.

۳ طبری، همان‌جا؛ ابن‌اثیر (۱۹۶۵م)، همان، ج ۳، ص ۳۲۷.

۴ مقدسی (۱۳۶۱ش)، همان، ص ۲۲۰.

۵ همان‌جا.

۶ أحمد بن یحیی بلاذری (۱۳۳۷ش)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نقره، ص ۱۸۸-۱۹۰.

۷ برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: ابن‌قتیبه دینوری، المعارف (۱۹۹۲م)، ص ۴۴۴؛ محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید (۱۴۱۴ق)، الارشاد، ج ۲، ص ۴۳۰.

مناسبی برای انجام خواسته معاویه باشند؛ اما جعده، دختر اشعث بن قیس کندی، ضمن اینکه علایق مادی می‌توانست محرک وی برای قتل حسن بن علی باشد، خانواده او هم دشمنی خویش را به خاندان علی و اسلام ثابت کرده بودند. از جمله اشعث بن قیس به توطئه علیه علی بن ابی طالب و همکاری در قتل ایشان متهم بود^۱ معاویه با آگاهی کامل از این پیشینه، جعده را برای انجام مأموریت خطیر مسموم سازی امام برگزید. البته زمینه‌ها و ریشه‌های فکری، اجتماعی و سیاسی این دنیاطلبی‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت.

نیاکان اشعث از مهم‌ترین اشراف عرب بودند و قبیله او - کنده - نیز جزء یکی از چند قبیله معروف عرب بود.^۲ آن‌ها ده‌ها سال قبل از ورود اسلام به رهبری حجر آکل المرار بر برخی از قبایل عربستان حکومت می‌راندند.^۳ اسلام اشعث در سال دهم هجرت،^۴ به انگیزه‌های سیاسی وی باز می‌گشت. چنان که ازدواجش با مفروه، خواهر نایب‌ای ابوبکر^۵ و همکاری‌اش با خلفایی چون عمر و عثمان و دوگانگی رفتارهایش در برابر علی، از انگیزه‌های وی برای نزدیکی به خلافت حکایت می‌کرد. عزل وی از امارت آذربایجان و ارمینیه توسط علی بن ابی طالب موجب شد تا وی خواهان پیوستن به معاویه باشد ولی یاران‌اش او را از این کار بازداشتند^۶ اما بر اساس گزارش بلاذری وی از این عزل ناراحت شد و با معاویه به نامه‌نگاری پرداخت.^۷ ازدواج جعده با حسن بن علی، با انگیزه سیاسی و برای تحقق اهداف دنیاپرستانه اشعث صورت گرفت. می‌توان گفت اشعث با استفاده ابزاری از این ازدواج در صدد دستیابی به هدف‌های دنیوی خود و نیز ضربه زدن به اسلام از طریق دخترش بوده است؛ زیرا وی زخم خورده دین اسلام بود و به همین دلیل ابن ابی‌الحدید، او را در میان سپاهیان علی بن ابی طالب به عبدالله بن ابی در میان اصحاب رسول خدا مانند کرده است؛^۸ چرا که هر دو به دلیل ظهور اسلام، قدرت و پادشاهی خود را از دست داده بودند و با پوشیدن لباس اسلام

۱ بلاذری (۱۴۱۷ق)، همان، ج ۲، ص ۴۹۳؛ محمد بن سعد، الطبقات الکبری (۱۴۱۰ق)، محمد عبدالقادر عطاء، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۲۶؛ ابن عساکر، ج ۴۲، ص ۵۵۹؛ ذهبی (۱۴۲۳ق)، ج ۳، ص ۵۴۸.

۲ أحمد بن علی قلقشندی (بی تا)، نهاية الأرب فی معرفة أنساب العرب، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۴۰۱-۴۰۲.

۳ حمزه اصفهانی (۱۳۶۷ش)، سنی ملوک الأرض و الأنبياء، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات امیر کبیر، ص ۱۴۷.

۴ احمد بن علی بن حجر عسقلانی (۱۴۱۵ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عبدالوجود و علی محمد معوض، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۲۳۹.

۵ همان‌جا.

۶ نصر بن مزاحم، همان ص ۱۳۹.

۷ بلاذری، همان، ج ۳، ص ۲۵۵.

۸ عبدالحمید ابن ابی‌الحدید (۱۴۰۷ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱، بیروت: دارالجلیل، ص ۲۹۶.

در موقعیت‌های مختلف در صدد ضربه زدن به اسلام بوده‌اند. به همین دلیل می‌توان گفت علت کینه جعده با حسن بن علی که بعضی از منابع به آن اشاره کرده‌اند، برگرفته از عداوت و دشمنی وی با اسلام بوده و حسن بن علی نیز قربانی این دشمنی‌ها شده باشد.

علاوه بر آنچه ذکر شد عوامل مادی نیز محرک جعده در قتل حسن بن علی بوده است. بر اساس گزارش‌های متعدد تاریخی، معاویه علاوه بر آنکه در ازای انجام این جنایت، صد هزار درهم پول و مقداری از زمین مدینه را به وی وعده داده بود، ازدواج با یزید پسر خویش را نیز پادشاه مأموریت وی قرار داد.^۱ از آن‌جا که معاویه، خاندان اشعث را به خوبی می‌شناخت و از طمع آنان برای دستیابی به قدرت آگاه بود، با شناسایی نقاط ضعف جعده و خانواده‌اش به تحریک وی علیه حسن بن علی اقدام کرد. جعده در خانواده‌ای سیاستمدار رشد یافته بود به همین دلیل به نظر می‌رسد افکار و اندیشه‌های سیاستمداران، محرک وی در بروز رفتارها و انجام مأموریت‌های خائنانه در دنیای سیاست شده باشد. وی بعد از تضعیف اقتدار سیاسی امام حسن در مقابل اقتدار سیاسی معاویه و خاندانش، به امید دستیابی به قدرتی بالاتر، حاضر به قتل حسن بن علی شد. زیرا امام حسن بعد از صلح با معاویه و واگذاری خلافت به وی، پایگاه سیاسی خود را از دست داد و به همین دلیل نمی‌توانست برای اهداف خاندان اشعث گزینه مناسبی به حساب آید؛ ولی در مقابل، معاویه و بعد از او یزید - که قرار بود با قتل حسن بن علی و دیگر رقیبان، به خلافت برسد در همه زمین‌ها از قدرت فراوانی برخوردار بودند و با ارتباط با آنان و دستگاه حکومتی‌شان می‌توانست قدرت و شوکت آباء و اجدادی‌شان را تجدید کند. از طرفی از جمله سیاست‌های بارز خاندان اشعث، همکاری و همیاری با حاکمان وقت و فرد پیروز در میدان رقابت‌های سیاسی بوده و هر جا حاکم یا امیری کفه ترازوی قدرت وی سنگین‌تر از دیگری بود بلااستثناء به او می‌پیوستند که رفتارهای چندگانه اشعث در برابر علی بن ابی‌طالب، ارتباط مخفیانه با معاویه و رفتارهای فرزندان وی در مقابل حاکمان وقت دلیل روشنی بر این مدعاست.

بنابراین غالب عواملی که بیان شد، هر یک به نحوی در پذیرش درخواست معاویه از طرف جعده، دخیل بوده‌اند. از میان عوامل متعدد، معاویه توانست با استفاده ابزاری از کینه این خاندان نسبت به اسلام و اهل بیت و با تطمیع مالی و پیشنهاد پادشاه خیره‌کننده، یکی از بزرگ‌ترین جنایات تاریخ صدر اسلام را در دوران حکومت خویش مرتکب شود.

۱ مسعودی، همان، ج ۲، ص ۴۲۷؛ الحاکم نيسابوری، همان، ج ۴، ص ۱۶۶.

۲. انتخاب زمان و مکان مناسب و تأثیر آن در اجرای موفقیت آمیز طرح‌ها

انتخاب زمان و مکان مناسب در اجرای طرح‌ها و به کارگیری راهکارهای حساب‌شده در حین انجام مأموریت توسط مأموران مسموم‌سازی، از دیگر نکاتی بود که معاویه و دست‌اندرکاران وی توجهی خاص به آن نشان می‌دادند؛ زیرا بدون وقت‌شناسی‌های زیرکانه، انجام چنین نقشه‌هایی با شکست روبه‌رو می‌شد. به همین دلیل برای جلوگیری از واکنش مردم و ایجاد بلوا، ترجیح می‌داد چنین جنایات‌هایی را در خارج از شام و در مناطقی که شرایط انجام آن به بهترین شکل وجود دارد به انجام برساند تا در صورت چون و چراهای مردم، بتواند به راحتی به تبرئه و انکار این جنایات بپردازد. لذا انتخاب شهر قلمز برای قتل مالک اشتر و اجرای طرح توطئه قتل عبدالرحمان بن خالد، حسن بن علی و سعد بن ابی وقاص در زمان بیماری آنان، نمی‌توانست امری اتفاقی باشد.

علاوه بر آن، دقت و توجه به زمان اجرای نقشه که تأثیر به‌سزایی در اجرای موفقیت آمیز آن داشت، بسیار مورد توجه معاویه بود. او که به خوبی از اهمیت این موضوع آگاه بود تا به دست آمدن فرصت مناسب سعه صدر بسیاری به خرج می‌داد. از جمله آنکه؛ علی رغم خشم وی از پیشنهاد عامه مردم شام مبنی بر جانشینی عبدالرحمان، در اجرای نقشه قتل او تا رسیدن زمان مناسب، صبر کرد. عبدالرحمان یکی از نزدیکان و بزرگان دربار و فرمانده سپاه او بود و در استقرار خلافت معاویه نقش به‌سزایی ایفا کرد.^۱ معاویه نمی‌توانست کسی را که حق بزرگی بر گردن وی داشت و از پایگاه مردمی نیز برخوردار بود، علنی و بدون دلیل به قتل برساند؛ چرا که عکس العمل مردم و سوءظن نزدیکان و دیگر فرماندهان نظامی را در پی داشت. لذا لازم بود تا به وجود آمدن شرایط مناسب برای قتل مخفیانه وی، همچنان منتظر بماند. به همین دلیل بعد از آگاهی از بیماری عبدالرحمان، از فرصت مناسب بیماری او استفاده کرد و به بهانه درمان او، با کمک ابن‌اثال نصرانی توانست با تجویز سم به جای دارو به قتل وی اقدام کند.

اخبار برخی منابع درباره وفات حسن بن علی^۲ و سعد بن ابی وقاص^۳ در اثر بیماری، این فرض را تقویت می‌کند که معاویه در اجرای نقشه قتل آن‌ها نیز از فرصت بیماری آنان استفاده

۱ برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: ملیحه سرخی کوهی خیلی، به راهنمایی علیمحمد ولوی (اسفند ۱۳۹۰)، «گونه

شناسی صحابه حامی معاویه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهراء، صص ۶۴-۶۶.

۲ ابوحنیفه دینوری، همان، ص ۲۲۱.

۳ ابن‌سعد، همان، ج ۳، صص ۱۰۳-۱۲۰.

کرده است؛ زیرا افزایش خبر بیماری آنان در جامعه، احتمال وقوع قتل را از بین می‌برد و انگشت اتهام توده مردم، به سمت کسی اشاره نمی‌شد. معاویه با توجه به این مسائل، بهترین زمان برای انجام چنین جنایاتی را دوران بیماری افراد مورد نظر تشخیص داد. از دیگر نکاتی که معاویه به خوبی توانست با استفاده از آن برای قتل مخالفین و رقبای خود بهره‌گیری کند، انتخاب مکان مناسب و جلب اعتماد شخص مسموم‌شونده توسط مأمور مسموم‌سازی در حین انجام مأموریت بود. البته چنین روندی در اجرای قتل مالک اشتر از نمود بیشتری برخوردار است.

مسمومیت مالک اشتر در نگاه نخست این سؤال را در ذهن هر پژوهشگری تداعی می‌کند که؛ چگونه ممکن است مالک با توجه به تدبیر و کیاستی که تاریخ از وی سراغ دارد توسط غلامی مسموم شده باشد و این فرد با به کارگیری چه تدابیر و ترفندهایی توانست مالک را به سمت خود جذب و سپس به قتل وی اقدام کند؟ از طرفی شرایط حاکم بر منطقه‌ای که مالک در آن مسموم شده چگونه بوده است که وی را وادار کرده ناآگاهانه به مأمور معاویه پناهنده شود؟

در ابتدا باید به بررسی شرایط محیطی و جغرافیایی مکانی که مالک در آن به قتل رسیده، پرداخت؛ چرا که شرایط آب و هوایی منطقه مورد نظر در ایجاد شرایط لازم برای قتل مالک بی‌تأثیر نبوده است. اگرچه در منابع مختلف تاریخی، سه منطقه به نام‌های قلزم^۱، عریش^۲ و عین شمس^۳ به عنوان محلی که مالک در آن به قتل رسیده، ذکر شده است. ولی با مطالعه و بررسی روند مسمومیت مالک می‌توان دریافت که شرایط نامناسب جغرافیایی و نبود آب و علوفه در سرزمین مورد نظر سبب شد که وی و همراهانش برای رفع احتیاجات خود به کسی که می‌توانست نیاز آنان را برآورده سازد، روی آورند؛ بنابراین به نظر می‌رسد، مأمور مسموم‌سازی مالک با نقشه‌ای از پیش طراحی شده و با این احتمال که قبل از ورود به مصر، مالک و همراهانش نیازمند توقف جهت تهیه آذوقه می‌شوند، سرزمینی بی‌آب و علف را برای قتل مالک انتخاب کرده است تا نیاز شدید، باعث روی آوری مالک به او شده باشد. از میان سه شهری - قلزم، عین شمس، عریش، قلزم دارای شرایط آب و هوایی بدی بوده، به

۱ طبری، همان، ج ۵، ص ۹۵.

۲ مسعودی، همان، ج ۲، ص ۴۰۹.

۳ ابن تغری بردی، همان، ج ۱، ص ۱۳۷.

گونه‌ای که آب آن را از اطراف به این منطقه می‌آوردند^۱ آن را شهری خشک و بی‌روح معرفی کرده‌اند که: نه آب دارد و نه آبادی و نه کشت و نه حیوان، نه هیزم، نه درخت، نه انگور و نه هیچ میوه.^۲

در حالی که عریش و عین شمس جزء شهرهای شناخته شده، آبادان و سرسبز با درختان فراوان بوده‌اند و به همین دلیل جمعیت فراوانی در خود جای داده بودند^۳ عین شمس علاوه بر اینکه از شرایط آب و هوایی خوبی برخوردار بود، از شهرهای فسطاط مرکز مصر به حساب می‌آمد^۴ از طرفی، اکثر قریب به اتفاق منابع ذکر کرده‌اند مالک قبل از ورود به سرزمین مصر به قتل رسیده و هرگز وارد این سرزمین نشده است^۵ بنابراین با توجه به نکاتی که ذکر شد این دو شهر مناطق مناسبی برای طراحی قتل مالک به حساب نمی‌آیند. به همین دلیل نگارنده احتمال وقوع قتل مالک در سرزمین قلمز را بیشتر می‌داند و خبر وفات وی در دو شهر ذکر شده نمی‌تواند واقعی باشد.

از دیگر وظایف مأمور مسموم سازی مالک در حین انجام مأموریت، اتخاذ تدابیری هوشمندانه و به کارگیری راهکارهای هدفمند برای جلب اعتماد مالک و جذب وی به سمت خویش است. ایجاد هر رفتاری نیاز به زمینه‌هایی دارد و جلب اعتماد مالک نیز نمی‌توانست از این قاعده مستثنی باشد، وی می‌بایست با تلاش و اقدامات سنجیده اعتماد مالک را نسبت به اینکه او می‌تواند مسیر ناهموار رسیدن به مصر را برای او هموار کند جلب نماید. نخستین گام برای همراه شدن با مالک، آن بود که خود را به نام کسی معرفی کند که در صورت شناسایی، توسط مالک طرد نشود. از این رو آن‌گونه که منابع مختلف ذکر کرده‌اند وی که غلام عثمان بود خود را به نام غلام عمر معرفی کرده است؛ زیرا به خوبی می‌دانست و می‌توانست پیش‌بینی کند با توجه به جریان‌ات دامنه‌داری که بعد از واقعه یوم‌الدار به بهانه قتل عثمان میان علویان و عثمانیان شکل گرفت، بعد از اعلان نام واقعی خود، بی‌تردید در همان لحظات نخستین طرد می‌شد یا احتمال قتل وی نیز وجود داشت.

۱ مقریزی، همان، ص ۳۹۳.

۲ مقدسی (۱۳۶۱ش)، همان، ص ۲۷۸.

۳ شهاب الدین یاقوت حموی (۱۹۹۵م)، معجم البلدان، ج ۴، بیروت: دارصادر، ص ۱۱۴.

۴ مقدسی (۱۳۶۱ش)، همان.

۵ ابراهیم‌بن محمد بن هلال ثقفی (۱۳۵۳ش)، الغارات، جلال‌الدین حسینی اموی، تهران: انجمن آثار علمی، ص ۲۶۴.

۶ ابن‌تقری بردی، همان، ص ۱۳۷.

از دیگر طرفندهای وی برای جلب اعتماد مالک آن بود که چون از ارادت و دوستی فوق‌العاده او نسبت به علی بن ابی طالب و اهل بیت آگاه بود، پیوسته از فضایل ایشان و بنی‌هاشم سخن گفت تا اینکه توانست اعتماد مالک را به خود جلب کند.

۳. اتخاذ تدابیری هوشمندانه در چگونگی استفاده از سموم

یکی از شگردهای بارز و آشکار مجرمین در استفاده جنایی از سموم، به کارگیری سمومی کاملاً بی‌بو و بی‌رنگ بدون هیچ‌گونه آثار ظاهری است^۱ تا احتمال مسمومیت در فرد مصرف‌کننده ایجاد نکند. همچنین باید بسیار مهلک و کشنده باشد تا در زمان کوتاهی فرد را به کام مرگ بکشاند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد، معاویه برای مسموم کردن افراد مورد نظر از چنین سمومی استفاده کرده است. سرعت تأثیر سموم در حدی بوده که در همان ساعات نخست، فرد مسموم شده را به کام مرگ می‌کشاند است. به گونه‌ای که مالک اشتر در همان لحظات ابتدایی^۲ و عبدالرحمان بن خالد بن ولید نیز در عرض چند ساعت بعد از ورود سم به بدنش، جان خود را از دست دادند.

از دیگر روش‌های مجرمان، دادن تدریجی سم به منظور پنهان کردن جنایت است.^۳ در چنین شیوه‌هایی قدرت جسمانی فرد تحلیل می‌رود و سیستم دفاعی بدن کارایی خود را از دست خواهد داد به طوری که همه گمان کنند وی دچار بیماری و ضعف شده است و مرگ وی نیز، ناشی از بیماری، تلقی شده و شبهه قتل، وجود نخواهد داشت. بر همین اساس یقیناً دلیل مسمومیت‌های مکرر^۴ حسن بن علی (ع) نیز همین بوده است.

ترس از واکنش مردم، معاویه را بر آن داشت با مسمومیت تدریجی امام، شبهه بیماری ایشان را به جامعه القاء کند، به همین دلیل برخی از منابع، بیماری امام را دلیل مرگ ایشان دانسته‌اند.^۵ اگرچه حسین بن علی و تعدادی از خواص جامعه، از علت وفات حسن بن علی آگاه بودند و بر اساس بعضی از مستندات، حسن بن علی نیز برادرش را از جریان مسمومیت خویش توسط معاویه، آگاه کرد^۶ ولی سکوت مردم در مقابل وفات ایشان بیان‌گر آن است که

۱ هوشنگ رشید یاسمی (۱۳۵۴ش)، مسمومیت‌ها، تهران: دانشگاه تهران، ص ۵.

۲ مسعودی، همان، ج ۲، ص ۴۰۹.

۳ رشید یاسمی، همان، ص ۳۷.

۴ ابن سعد، ج ۵، همان، صص ۳۶-۴۹.

۵ ابن قتیبہ دینوری، همان، ج ۱، ص ۱۹۶؛ ابوحنیفه دینوری، ص ۲۲۱.

۶ شیخ مفید، همان، صص ۱۹۱-۱۹۳.

معاویه توانست به خوبی از این شیوه بهره برداری کند و بدون اینکه واکنشی در میان دستداران و علاقه‌مندان ایشان برانگیزد، ایشان را مسموم و به عنوان مانعی بزرگ از سر راه اهداف و خواسته‌های خویش بردارد.^۱

نتیجه‌گیری

انسان دنیاپرست به دو عنصر قدرت و ثروت دلبستگی دارد و برای رسیدن به هر کدام از آن‌ها از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کند و هر فردی را که مانع رسیدن به اهداف خود ببیند کنار می‌زند. معاویه از سیاستمداران برجسته تاریخ اسلام است که برای دستیابی به قدرت و حفظ آن، از انجام هیچ ترفند و دسیسه‌ای پرهیز نکرد. او بسیاری از مخالفان و رقیبان سیاسی خویش را با نیرنگ‌های مختلف سیاسی تابع خویش کرد. ولی چون نتوانست بر افرادی مثل سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمان بن خالد بن ولید، مالک و حسن بن علی با توسل به تهدید و تطمیع چیره شود در صدد قتل آنان برآمد. از آنجا که منزلت اجتماعی این افراد مانع حذف علنی آنان می‌شد، بهترین راه چاره را قتل مخفیانه و بی‌سر و صدای آنان دانست که بهترین شیوه برای این کار، مسموم کردن افراد مزبور بود.

مسموم‌سازی از جمله شیوه‌هایی کهن در حذف مخالفان و رقبای سیاسی است. علت به کارگیری این شیوه، جلوگیری از ایجاد شبهه قتل میان مردم است. توده مردم معمولاً چنین مرگی را به قضا و قدر الهی نسبت داده و شک و تردید یا واکنشی در جامعه بر نمی‌انگیزد. معاویه نیز با به کارگیری افراد واجد شرایط که انگیزه‌های مادی و شخصی برای ارتکاب قتل داشتند و همچنین با استفاده از سموم خاص و زمان و مکان مناسب، نقشه خود را در حذف مدعیان خلافت و رقبای سیاسی‌اش به انجام رساند.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۹۶۵م)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر- دار بیروت.
- [بی‌تا]، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، محمد ابراهیم بنا، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱ در بعضی از منابع آمده، معاویه برای قتل حسن بن علی اعلان عمومی داده و در ازای آن برای فردی که موفق به انجام این عمل شود هدایای فراوانی در نظر گرفته است. این خبر با سیاست و زیرکی معاویه مغایرت دارد. ابن عساکر، همان، ج ۱۳، ص ۲۸۴.

- ابن‌ابی‌الحدید مدائنی، عبدالحمید بن هبة‌الله (۱۴۲۴هـ.ق)، شرح نهج البلاغه، محمد عبدالکریم نمری، بیروت: دارالکتب.
- ---- (۱۴۰۷هـ.ق)، محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالجلیل.
- ابن‌تغری بردی، محمد حسین شمس‌الدین (۱۴۱۸هـ.ق)، النجوم الزاهرة، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌حیب بغدادی، ابوجعفر محمد (۱۴۰۵هـ.ق)، کتاب المنطق فی اخبار قریش، تحقیق خورشید احمد فاروق، بیروت: عالم‌الکتب.
- ابن‌جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان (۱۴۱۲هـ.ق)، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق مصطفی و محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵هـ.ق)، الاصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق عبدالوجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمان (۱۴۰۸هـ.ق)، تاریخ، خلیل شحاده و سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌سعد، محمد (۱۴۱۰هـ.ق)، الطبقات الکبری، محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌عبدالبر، ابوعمرو یوسف بن عبدالله بن محمد (۱۴۱۲هـ.ق)، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجلیل.
- ابن‌عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۷هـ.ق)، تاریخ مدینة دمشق، علی شیری، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌قتیبه، ابو عبدالله احمد بن محمد بن اسحاق همدانی (۱۴۱۶هـ.ق)، البلدان، بیروت: عالم‌الکتب.
- ابن‌کثیر دمشقی، عمادالدین ابوالفداء اسماعیل (۱۴۲۸هـ.ق)، البداية و النهایة، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌هلال ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۵۳هـ.ش)، الغارات، جلال‌الدین حسینی اموی، تهران: انجمن آثار علمی.
- اَبی‌مخنف اَزدی، لوط بن یحیی (۱۴۱۹هـ.ق)، تاریخ، کامل سلمان الجودی، بیروت: دارالحججه الیضاء.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی (۲۰۰۴م)، المسالك و الممالک، بیروت: دارصادر.
- اصفهانی، ابوالفرج (۱۴۱۹هـ.ق)، مقاتل الطالبیین، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- اصفهانی، ابوالفرج (۱۴۱۵هـ.ق)، الاغانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اصفهانی، حمزه (۱۳۶۷هـ.ش)، سنی الملوک الأرض و الأنبیاء، جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۶۹هـ.ش)، الغدیر، جلال‌الدین فارسی، تهران: بنیاد بعثت.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷هـ.ق)، أنساب الأشراف، سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر.
- ---- (۱۳۳۷هـ.ش)، فتوح البلدان، محمد توکل، تهران: نقره.
- حسین مونس (۱۳۷۵هـ.ش)، اطلس تاریخ اسلام، آذرتاش آذروش، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود (۱۳۶۸هـ.ق)، أخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، مراجعه جمال‌الدین شبلی، قم: منشورات الرضی.
- دینوری ابن‌قتیبه (۱۴۱۰هـ.ق)، الإمامة و السیاسة، علی شیری، بیروت: دارالأضواء.
- ---- (۱۹۹۲م)، المعارف، ثروت عکاشه، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

- ذهبي، شمس الدين محمد (١٤٢٣هـ.ق)، تاريخ الإسلام، عمر عبدالسلام تدمري، بيروت: دار الكتب العربي.
- ---- (١٤٠٢هـ.ق)، سيراً اعلام النبلاء، بيروت: مؤسسة الرساله.
- رشيدياسمي، هوشنگ (١٣٥٤هـ.ش)، مسموميتهما، تهران: دانشگاه تهران.
- سيوطي، جلال الدين عبدالرحمان (١٤٢٥هـ.ق)، حسن المحاضرة في تاريخ مصر و القاهرة، بيروت: المكتبة العصريه.
- شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان (١٤١٠هـ.ق)، الإرشاد، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ---- (١٣٦٤هـ.ش)، الأمالی، حسين استادولي، مشهد: بنياد پژوهش های اسلامي.
- ---- (١٣٨٢هـ.ش)، نبرد جمل، محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- طبري، محمد بن جرير (١٩٦٧م)، تاريخ الامم و الملوك، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: دار التراث.
- قلقشندی، أحمد بن علی [بی تا]، نهاية الأرب في معرفة أنساب العرب، بيروت: دار الكتب العلميه.
- كليني، رازی أبي جعفر [بی تا]، اصول کافی، سيد جواد مصطفوی، تهران: علميه اسلاميه.
- محقق إربلي (١٤٢١هـ.ق)، كشف الغمّة في معرفة الأئمة، قم: شريف الرضى.
- مسعودي، ابوالحسن علی بن حسين (١٤٠٩هـ.ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقيق اسعد داغر، قم: دارالهجره.
- مسكويه رازی، أبو علی (١٣٦٩ش)، تجارب الأمم، ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.
- مقدسی، أبو عبدالله محمد بن أحمد (١٣٦١هـ.ش)، أحسن التقاسيم، عليتقي منزوی، تهران، مؤلفان و مترجمان ايران.
- مقدسی، مطهر بن طاهر [بی تا]، البدء و التاريخ، بور سعيد، [بی جا]: مكتبة الثقافة الدينية.
- مقرئزي، أحمد بن علی (١٤١٨هـ.ق)، الخطط، بيروت: دار الكتب العلميه.
- منقري، نصر بن مزاحم (١٣٧٠هـ.ش)، بيكار صفين، عبدالسلام محمد هارون، ترجمة پرويز اتابكي، تهران: آموزش انقلاب اسلامي.
- نيسابوري، الحاكم (١٤١٨هـ.ق)، المستدرک على الصحيحين، بيروت: دارالمعرفة.
- ياقوت حموي (١٩٩٥م)، شهاب الدين، معجم البلدان، بيروت: دار صادر.
- يعقوبي، ابن واضح [بی تا]، تاريخ يعقوبي، بيروت: دار صادر.